

فرم های حکومت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

نکته ی چهارم: آیا اجرای حکومت شکل خاصی دارد یا نه؟

من به چهار شکل اشاره می کنم:

1- فقیه حکیم جامع الشرائط در رأس حکومت باشد و اجرای شریعت کند. از کارشناسان هم استفاده کند یا نکند که البته باید در حد وسیع استفاده کند.

این یک شکلی از حکومت اسلامی است که الآن قانون اساسی 68 هم این شکل را پذیرفته است. این شکل را همه قبول دارند حتی کسانی که ولایت فقیه را قبول ندارند باز هم اگر فقیه حکیمی در رأس قرار بگیرد قبول دارند و این حد قدر متیقن است.

2- یک فقیه با چند کارشناس یا چند فقیه با چند کارشناس به طوری که اداره با شورای رهبری باشد. در این فرم کارشناسان جزء شورای رهبری هستند و نظر دارند حالا یا فقط بتوانند رد کنند و ایراد بگیرند به گونه ای که اگر ایراد گرفتند رأی فقیه ضمانت اجرایی نداشته باشد یا اینکه هم اثباتا و هم نفیا نظر داشته باشند بر خلاف فرم اول که کارشناسان نظر نداشتند. شاید حذف این فرم از قانون اساسی در سال 68 به خاطر مسائل جانبی و مشکلاتی باشد که این فرم در عمل دارد.

3- صورتی که آقای نائینی پیشنهاد داد و فرمود: ما وقتی سلطنت را از مطلقه تبدیل به مشروطه کردیم برای اینکه این سلطنت شرعا بتواند در کشور و ناموس و وقت و ... تصرف کند و ولایت داشته باشد شرعا از طریق حضور یک یا چند فقیه در هرم تصمیم گیری، هرم اجرا، هرم قانون گذاری درستش می کنیم در مجلس چند مجتهد می گذاریم که بر مصوبات مجلس نظارت کنند و در اجرا

فقیه اجازه دهد به سلطان یا کابینه. از نظر معتقدات شیعه این مقدار از دخالت فقیه امور را شرعی می کند چون ولایت از آن خداست که به پیامبر و ائمه و فقها رسیده است، مطلق یا مقید، از باب امر به معروف و نهی از منکر یا از باب امور حسبه یا غیر آن پس بالاخره فقیه در عصر غیبت ولایتی دارد که دیگران ندارند و چه ولایتی بالاتر از همین دخالت در امور مردم؟! یا فقیه در هرم قدرت باشد یا اجازه بدهد.

این صورت سوم می تواند اشتداد و ضعف داشته باشد. مثلاً در حکومت شاه عباس صفوی ایشان نامه ای می نویسد و می گوید ما مقرر کردیم که کدخدایان و کلانتران و ... از ملاعبدالله شوشتری تبعیت کنند و کارها دست ایشان باشد. البته شاه عباس خودش را سلطان می دانسته، لذا می گوید من مقرر کردم. اما وقتی حکومت به شاه طهماسب می رسد و محقق کرکی اوضاع متفاوت می شود. محقق کرکی دو سفر به ایران دارد و در دومین سفر می ماند و مقیم ایران می شود، ایشان وقتی می آید اولاً به عنوان نائب امام زمان می آید، نائب امام زمان وقتی که بیاید دیگر جایی برای سلطان نمی ماند لذا شاه طهماسب از او اجازه می گرفت و بخش عظیمی از اداره را محقق کرکی انجام می داده.